

یهود در روزگار هخامنشیان

پروانه وحیدمنش (کارشناس ارشد تاریخ)

آبان ۱۳۸۶

http://www.iranjewish.com/Essay/Essay_33_Hakhamanesh.htm

نخستین روایت تاریخی از حضور قوم یهود در عرصه جغرافیایی ایران زمین به سال‌های ۷۴۱ تا ۷۴۹ یا ۷۳۲ پیش از میلاد باز می‌گردد که حدود ۶۰,۰۰۰ اسیر بنی‌اسرائیل که در حمله پادشاه آشور به اسارت درآمده بودند به گیلعاد (جلعاد) دماوند کوچانده شدند. (۱)

شواهد باستان‌شناختی که در گیلیارد دماوند به چشم می‌خورد و گورستان قدیمی آن تاییدی مجدد بر تاریخ حضور قوم یهود در ایران پیش از شکل‌گیری نخستین امپراطوری جهانی، امپراطوری هخامنشی است.

آن چه مسلم است در تمام این دوره تا ظهور کوروش هخامنشی همراه با ادیان باستانی ایرانی، دین این اسرای کوچیده در نواحی شمالی ایران شناخته شده بود. همچنین روایت‌های تاریخی و احترام کوروش، شاه هخامنشی به این قوم حاکی از آن است که وی نسبت به آنان و آئین یهود شناخت وافی و کافی را داشته است.

اگر پهنه جغرافیایی ایران زمین را در روزگار روی کار آمدن دولت هخامنشی از رشته کوه‌های هندوکش در شرق، تا بیابان‌های ترکستان و کوه‌های قفقاز در شمال، تا مدیترانه و بالکان و لیبی در غرب، و تا عربستان و حبشه در جنوب گسترده بدانیم، در جنوب غربی این محدوده تاریخی، بر پایه اسناد و کتیبه‌ها اولین امپراطوری جهانی شکل گرفت. آن چه طی سالیان دراز تاریخی بر این ناحیه حساس جغرافیای گذشته لاجرم مردمانی را ساخته است که با وجود اختلاط‌های نژادی، فرهنگی، زبانی و دینی توانسته‌اند شاکله‌ای را پدید آورند که همزیستی تحت نام «ایران» را میسر ساخته است. این محدوده به دلیل موقعیت اجتماعی خود، الگوی توزیع منابع طبیعی خویش و بافت جمعیتی و زبانی‌اش، در طول تاریخ، تنش‌های بسیاری را از سر گذرانده، ب این حال هویت تقریباً گویایی از ایرانی بودن را در خود حفظ کرده است.

خود این نکته که جامعه ایرانی در بیست و پنج قرن گذشته دست کم با چهار نسل‌کشی عمده مقدونیان، تازیان، ترکان و مغولان روبرو بوده است و دست کم پنج پیکره تمدنی متمایز هلنی، مسیحی - رومی، اسلامی، یاسایی و مدرن را به شکل انتخابی و خاص در خود جذب کرده است، به قدر کافی شگفت‌انگیز است. ما هیچ تمدن دیگری را نمی‌شناسیم که با تداوم و چنین گسترشی، در برابر تنش‌های متعدد از پا درنیامده باشد. تنیدگی عنصر یهودی در فرهنگ ایرانی امری است که از نگاه تیزبین مورخان دور مانده و اختلاط در فرهنگ زرتشتی و یهودی در پاره‌ای موارد غیرقابل تصور است.

مری بویس معتقد است که این دو آیین علاوه بر خصلت «پیامی جهانی و برای همه ملل و اقوام بودن»، کیشی کاملاً قومی بودند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذاشتند. شاید بهترین اثر برای بررسی همانندی‌های این دو کیش کتاب «عِزرا» باشد و این پرنرنگی شباهت‌ها ناشی از حضور تاریخی «نِجَمِیا» نماینده «اردشیر اول» به فرمانداری اورشلیم است.

(۴۴۴ ق. م) (۲)

وی پیش از آن که به فرمانداری اورشلیم برسد شربت‌دار اردشیر بوده و قطعا کسی که به این جایگاه در دربار می‌رسیده ملزم به رعایت آداب زرتشتی نیز بوده است.

از این مرحله که بگذریم بنیان‌گذار دولت هخامنشی و توجهات وی به قوم یهود حایز اهمیت است. وی که در تمامی فتوحات خود با عنوان منجی از سوی ملل فتح شده سروری می‌یافت به تسامحی مبتنی بر احترام برای خدایگان دیگر قلمروهای امپراطوری‌اش اقدام می‌نمود. این اقدام وی، سبب شد تا کتاب «عهد عتیق» وی را مسیح خطاب نماید. در کتاب معروف گزنفون، شاگرد سقراط و معاصر افلاطون که به نام «سیرو پدی» یا تربیت کوروش نوشته شده است؛ کوروش به عنوان یک پادشاه آرمانی و تجسم خردمندی و فرزاندگی و دادگری راستین که یونانیان می‌باید از او الگو بگیرند، مجسم شده است. در کتاب دیگری از وی به نام «آتاباسیس» یا بازگشت ده هزار یونانی، از قانون پارسی و قانون‌مداری جامعه ایرانی در روزگاران نخستین هخامنشی سخن رفته است. در یسنا یکی از کتب زرتشتی، تمامی ادیان ستایش می‌شود: «آموزگاران کیش، کشورهایی که پیش از این بوده‌اند و پس از این خواهند بود می‌ستائیم». (۳)

کوروش کسی است که خدا در کتاب مقدس یهودیان او را شاهین و فرستاده خود و مأمور گسترش دادگری در جهان خوانده است. (۴)

اشاره اشعیای پیامبر بر مادها، ظهور شخص کوروش است.

کوروش در تورات چنین معرفی می‌شود:

«کوروش پادشاه فارس چنین می‌فرماید: خدای خالق آسمان‌ها همه کشورهای زمین را به من داده و مرا امر فرموده است که خانه‌ای برای وی در اورشلیم که در یهودا است بنا نمایم. (۵)

در جای دیگر کتاب مقدس، خداوند می‌گوید: «من درباره کوروش می‌گویم او شبان من است و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید. این اوست که شهر ما را بنا کرده، اسرایم را آزاد خواهد کرد اما نه به قیمت و نه برای هدیه». (۶)

کوروش در فرمان خود خدای قوم یهود را خدای حقیقی خوانده و یادآوری می‌کند که این خدای حقیقی وی را امر کرده است که خانه‌ای برای او در بیت‌المقدس بسازد. این امر چنان سبب شادی یهودیان بابل شد که نمونه‌هایی از این شادی را در کتاب مقدس می‌توان یافت:

«آن گاه دهان ما از خنده پر شد و زبان ما از نغمه‌سرایی، آنگاه در میان امت‌ها گفتند که خداوند کارهای بزرگی برای آنها انجام داده است». (۷)

اذعان صریح کوروش در کتاب مقدس مبنی بر مأموریت الهی‌اش در خصوص بنای خانه برای یهودا در اورشلیم حاکی از شکل‌گیری مفهوم مسیح و منجی بودن برای وی است. توجه به گرایش‌های منجی‌طلبانه دین زرتشت در راستای خلق سوشیانس، این بار مسیح در دین یهود در قالب کوروش ظهور می‌یابد.

یهوه از کوروش به عنوان عهد قوم و نور امت‌ها یاد می‌کند. (۸) و او را به عدالت فرا می‌خواند.

آزادی قوم یهود توسط کوروش همراه با دستور وی مبنی بر ساخت خانه خدا و تهیه مواد ساختمانی آن بود. وی به «میتزادات» خزانه‌دار خود دستور داد تا همه اشیاء زینتی و ظرف‌های گرانبهای طلا و نقره خانه خدا را که بخت‌النصر از اورشلیم به بابل آورده بود، از هر کجا بود گرد آورد و آنها را به شیشبصر Shesh bazaar بسپارد. (۹)

ادوار بعدی تاریخ هخامنشی نیز مشحون از تنیدگی فرهنگی - سیاسی میان ایرانیان و یهودیان است. اگر چه منابع مصری و یونانی سرشار از دشمنی با کمبوجیه پادشاه و جانشین کوروش هستند اسناد کشف شده از یهودیان مصر

.....
که بر کاغذهای حصیری آرامی نگاشته شده حاکی از آن است اگر چه وی تمامی معابد خدایان مصری را خراب کرد معترض پرستگاه یهودیان نشد. (۱۰)

یهودیه در زمان داریوش اول علاوه بر تقدسی که دوباره کسب نموده بود سرزمین حائلی بود که جلوی آشوب‌گری مصریان را می‌گرفت. داریوش تلاش داشت به حفظ و آبادانی تمامی قلمروی خود کوشا باشد و بی‌شک نبض فرهنگی این آبادانی، اورشلیم بود. در زمان داریوش بیشتر یهودیان بابل به شوش و تخت‌جمشید و همدان روی آوردند و به ویژه در فارس بیشترین تعداد یهودیان سکنی گزیدند. در اصفهان نیز تعدادی دیگر مقیم شدند که از نژاد یهودا و از آوارگان بابل هستند.

داریوش پس از رازگشایی توطئه‌ای که علیه خزانه‌دار خود دانیال یهودی صورت گرفته بود در فرمانی که بر همه ملت‌ها و به همه زبان‌ها نگاشته شد یهودیان را در پرستش خدای توانا آزاد گذاشته و برای آسایش و امنیت آنان نیز فرمانی صادر نمود.

خشایارشا پسر داریوش که به نام آخشوروش (Axashverosh) در کتاب مقدس یاد شده است توجه خاصی به یهودیان از خود نشان داد. در دوران وی یهودیان آزادی فراوانی داشتند و گاه نیز سرپرستی امور دولتی به آنان سپرده می‌شد، خصوصاً شهر شوش محل زندگی عده کثیری از آنان بود.

داستان معروف استر و خشایارشا هم در همین ایام رخ داده است. دست‌درازی وزیر هخامنشی به یهودیان و حکم وی مبنی بر قتل‌عام آنان با تدبیر مردخای یهودی و استر ملکه یهودی شاه ناکام ماند. به نظر می‌رسد پادشاه در نابود و ناکام گذاشتن توطئه هامان فراتر از یک دستور حکومتی عمل نمود و دست یهودیان را در مقابله با گروه هامانیان باز گذاشت.

در باب هشتم کتاب استر آمده است:

«آنگاه اخشوروش پادشاه به استر ملکه و مردخای یهودی فرمود اینک خانه هامان را به استر بخشیدم و او را به سبب دست‌درازی بر یهودیان به دار کشیدند. و شما آن چه را که در نظرتان پسند آید به اسم پادشاه به یهودیان بنویسید و آن را به مهر پادشاه مختوم سازید. زیرا هر چه به اسم پادشاه نوشته شود و به مهر وی مختوم گردد کسی نمی‌تواند آن را تبدیل کند».

این دستور شاه به جد نشان می‌دهد که تا چه پایه جایگاه این قوم نزد پادشاه روشن بوده و نمی‌توان داستان را تنها یک معاشقه ساده میان شخص شاه و استر ملکه دانست زیرا نگاشتن نامه‌ای به اسم شاه و مهر کردن آن خارج از یک داستان عاشقانه است که گاه تلاش می‌شود به آن وجه تاریخی بدهند.

پس از مرگ خشایارشا ملکه مادر «آمستریس» همه کاره امور بود و اردشیر اول تقریباً نقشی ایفا نمی‌نمود. این زن که خود را رقیب استر می‌دید اجازه نداد نفوذ سابق آنان در دربار باقی بماند و ناگزیر یهودیان شوش که تحت حمایت خاندان استر و مردخای بودند به همدان، پایتخت دیگر هخامنشی کوچیدند. (۹)

در دوران داریوش دوم کار بازسازی خانه خدا در اورشلیم که در زمان اردشیر ناتمام مانده بود به پایان رسید (۴۲۴-۴۰۴ ق.م). بیشترین درصد جمعیت قوم یهود در این عهد به چشم می‌خورد که نزدیک به سه قرن از ورود اسرای اسرائیل و ۶۳ سال از آمدن اسرای یهود به ایران می‌گذشت و همه در ایران با آسودگی و آرامش زندگی می‌کردند. (۱۱)

یهودیان مصر که سرسپرده و وفادار به دولت ایران بودند در پی سفر شهریان مصر به ایران مورد تجاوز مصریان واقع شدند و عبادتگاه‌هایشان نابود شد. همین امر سبب شد که علاوه بر تلاش داریوش دوم مبنی بر بازسازی خانه خدا بنا بر حکم کوروش، از خزانه‌های شاهی به آنان کمک شود.

او دستور داد تا یاغیان و کسانی که در امر بازسازی خانه خدا سنگ اندازی می‌کنند مجازات شوند. پس از داریوش دوم پسرش اردشیر تلاش نمود تا بزرگان یهود را به دربار خویش فرا خواند. عزرا دانشمند و قانون‌دان یهودی و نیز یجمیا دوستدار «سرزمین اسرائیل» و سیاست‌مدار بزرگ یهودی دو بنیان‌گذار وحدت قومی یهود در دربار وی تلاش نمودند وضع سیاسی و اجتماعی یهودیان را دگرگون سازند. در این دوره کوچ بزرگ یهودیان به امر پادشاه و با حمایت عزرا و نحما به اسرائیل صورت پذیرفت و اندیشه قوم یهود و ملت اسرائیل تقویت شد. اردشیر دستور داد که این مهاجران مورد حمایت قرار گیرند و تعدادی جواهرات و ظروف شاهنشاهی را به اورشلیم فرستاد. در بخشی از کتاب عزرا باب هفتم آمده است:

«از جانب آرْتَحْشَشْتَا» شاهنشاه به عزرای کاهن و کاتب کامل شریعت خدای آسمان اما بعد فرمانی از من صادر شد که هر کدام از قوم اسرائیل و کاهنان و لاویان ایشان که در سلطنت من هستند و به رفتن همراه تو به اورشلیم راضی باشند بروند- چون تو از جانب پادشاه و هفت مشیرانش فرستاده شده‌ای تا درباره یهودا و اورشلیم بر وفق شریعت خدایت که در دست توست تفحص نمایی و نقره و طلائی را که پادشاه و مشیرانش برای خدای اسرائیل که مسکن او در اورشلیم می‌باشد بذل کرده‌اند ببری. «.... و اما چیزهایی دیگر که برای خانه خدایت لازم باشد، هر چه برای تو اتفاق افتد که بدهی آن را از خزانه پادشاه بده.»

دوران اردشیر دوم رشد احساس ملی - دینی یهود، بازیابی عنصر یهود و برپایی و اجرای سنن یهودی است. ادبیات عبرانی در همین زمان با همت عزرا و نحما جمع‌آوری شد و وی مدارسی در جهت گسترش زبان عبری بنا نمود. گردآوری کتب بنی‌اسرائیل و عهد عتیق در زمان همین پادشاه و حمایت‌های مادی و معنوی از یهودیان صورت گرفت. نحما عضو دربار ایران و مرد ثروتمندی بود که در پیشبرد سنن یهودی تمام توان خویش را به کار برد. پیدایش طبقه سوفرها و عهد سوفریم «دوره دانشمندان و نویسندگان» به دستور و حمایت اردشیر دوم و تلاش‌های عزرا شکل گرفت. (۱۲) و غالب مورخان یهود معتقدند که در دوره سوفریم بسیاری از عقاید ایرانیان در باور یهودیان راه یافته و همانگونه نوشته و نگاهداری شد. (۱۳) و در نگهداری کتب یهودی، دربار ایران این نویسندگان را مورد حمایت قرار داد. با حمله اسکندر، شهر صور قتل‌عام شد و در زمان جنگ با سوریه از یهودیان خواست، تسلیم شوند اما آن‌ها نپذیرفتند اما حمله سخت وی به یهودیه سبب شد آن‌ها تسلیم و باج‌گزار اسکندر شوند. حمله اسکندر سرآغاز سرگردانی و فشارهای مجدد بر قوم یهود شد.

- ۱- لوی، حبیب، کتابفروشی یهودا بروخیم، تهران ۱۳۳۴، جلد اول، صفحه ۸۸.
- ۲- بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی زاده، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۷۵، جلد دوم، صفحه ۲۷۷.
- ۳- یسنا، گزارش پورداوود، صفحه ۱۱۰، یسنا ۱۵، پاره ۳۱.
- ۴- عهد عتیق، کتاب اشعیا، باب ۴۱ و ۴۲.
- ۵- عهد عتیق، کتاب عزرا، فصل ۱.
- ۶- عهد عتیق، کتاب اشعیا، باب ۴۴.
- ۷- عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۱۲۶.
- ۸- عهد عتیق، کتاب اشعیا، فصل ۴۲، آیه ۶.

- ۹- قائمی، محمد، هخامنشیان در تورات، چاپخانه نشاط اصفهان، چاپ اول، ۱۳۴۹- صفحه ۱۳۷ - کتاب عزرا، فصل ۱.
- ۱۰- پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، صفحه ۵۰۶.
- ۱۱- قائمی، محمد، همان، صفحه ۱۹۱.
- ۱۲- همان، صفحه ۲۲۸.
- ۱۳- لوی، حبیب، همان، جلد ۱ - صفحه ۳۳۴.